

بِسْمِ
اللَّهِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ



سرشناسه: یامین پور، وحید، ۱۳۵۹ -

عنوان و نام پدیدآور: عربیکا/ سفر به لبنان در روزهای غم و شادی/ وحید یامین پور.

مشخصات نشر: تهران/ شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۴۰۳.

مشخصات ظاهری: ۲۰۰ ص.: مصور؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

فروست: سفرنامه.

شابک: ۹-۵۵۴۴-۰۳-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان دیگر/ عربیکا/ روایت لبنان.

عنوان دیگر: عربیکا/ روایت لبنان.

موضوع: لبنان -- سیر و سیاحت

Lebanon -- Description and travel

موضوع: یامین پور، وحید، ۱۳۵۹ - -- خاطرات

موضوع: سفرنامه‌های ایرانی -- قرن ۱۴

Travelers' writings, Iranian -- 20th century

شناسهٔ افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر

رده‌بندی کنگره: DSA۰/۲

رده‌بندی دیویی: ۹۱۵/۶۹۲۰۴۴

شمارهٔ کتاب‌شناسی ملی: ۹۹۱۷۱۴۶

اطلاعات رکورد کتاب‌شناسی: فیبا



سفر به لبنان در روزهای غم و شادی

وحید یامین پور





عریکا

سفر به لبنان در روزهای غم و شادی

نویسنده: وحید یامین پور

طراح جلد: امیر نجفی

چاپ و صحافی: پیکان

چاپ اول: ۱۴۰۳

شمارگان: ۱۲۵۰ نسخه

شابک: ۹-۵۵۴۴-۰۳-۶۰-۹۷۸

دوره ۱ تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت، پلاک ۲۳،

تلفن: ۶۶۴۶۹۹۵۱، دورنگار: ۶۶۴۶۹۹۵۱

دوره ۲ تهران، خیابان سمیه، نرسیده به خیابان

حافظ، جنب حوزه هنری، پلاک ۲۴۵، تلفن: ۸۸۹۴۹۷۹۱-۲

دوره ۳ تهران، خیابان انقلاب، میدان انقلاب،

جنب سینما بهمن، پلاک ۱۰۲۳، تلفن: ۶۶۴۷۶۵۶۸-۹

دوره ۴ اصفهان، میدان انقلاب، سینما ساحل،

کدپستی: ۸۱۳۳۶۱۴۵۱۱، تلفن: ۳۱-۳۲۲۴۷۷۳۵-۶

دوره ۵ مشهد، انتهای خیابان کوهسنگی،


کوهسنگی ۲۹، مجتمع تجاری مهر کوهسنگی، طبقه ششم،


تلفن: ۵۱-۳۸۴۹۷۱۵۸ و ۵۱-۳۸۴۹۹۱۵۶

دوره ۶ همدان، آرامگاه بوعلی سینا، پیاده‌راه بوعلی،


جنب پردیس سینمایی مهر قدس، کدپستی: ۶۵۱۶۶۸۳۸۷۷،


تلفن: ۸۱-۳۲۵۲۹۵۰۱ و ۸۱-۳۲۵۲۵۶۱۳


 Sooremehr.ir

 (پنج خط) ۶۶۴۶۰۹۹۳

 Mehrak.ir

 ۳۰۰۵۳۱۹

 @sooremehr_pub

 ۱۵۹۱۸-۱۷۸۱۱

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

کتاب‌ها در زمین ریشه دارند

طبق تفاهم نامه انتشارات سوره مهر و سازمان منابع طبیعی
بخشی از عواید فروش این کتاب به کاشت درخت اختصاص دارد.



با ما
بخوانید



این مردم ناب جهان دست کم سه بار خانه‌شان را از نو ساخته‌اند.
آن جنوبی‌ترین حصه همین چند ماه پیش همان موقع که در حیات خاندهاش
قدسان می‌کشید و در دیوار خانه‌اش نگاه می‌کرد
نقشهٔ جدید خانه را در ذهنش کشیده؛ با خودش گفته:
«اگر دفعهٔ بعد اسل خرابش کرد،
این بار این طوری سازش می‌کنم.»



سرآغاز



من تنها ایرانی این پرواز هستم...

۸ - ۱۵



فصل ۱

دیدار با نصرالله

۱۶ - ۴۵





فصل ۲

طوفان الاقصے

۴۶ - ۶۱



فصل ۳

من پیش شما ہستم؛ در بیروت

۶۲ - ۲۰۰



سرآغاز

من تنها ایرانی

۶ اکتبر ۲۰۲۴ / ۱۵ مهر ۱۴۰۳

سال گذشته، ۶۵ روز پس از عملیات
طوفان الاقصی، راهی لبنان شدم
و حالا یک روز مانده به سالگرد
آن؛ زمانی که اسرائیل با تمام توان
تکنولوژیکش به لبنان حمله کرده
و از آخرین خط قوز - جان
سید حسن نصر الله - هم گذشته.

این پرواز هستم..

هشت روز از شهادت سید حسن نصرالله می‌گذرد و من از بغداد راهی بیروت‌م. طاقت نداشتم در خانه بمانم. تلویزیون پیوسته از لبنان می‌گفت؛ از بمباران ضاحیه و جنوب، از ترور فرماندهان حزب‌الله. چه پاییز تلخی! در باور نمی‌گنجد که سید شهید شده باشد. برای ما چهره‌ای آخرالزمانی بود. ردِّ هر اتفاق مهمی را در سخنرانی‌هایش جست‌وجو می‌کردیم. حالا او نیست!

شب هفتم مهر، همان شب تاریکی که بوق‌های صهیونیستی برای شهادتش هلهله می‌کردند، هر لحظه منتظر تکذیب خبر بودم. اما آه که خبر راست بود! هیچ عکس و تصویری از پیکر سید نیست. برخی می‌گویند چیزی از پیکرش نمانده. دیگری می‌گوید هنوز پیدا نشده و باید تفحص کنند. و کسی که مطلع‌تر از بقیه به نظر می‌رسد می‌گوید پیکر سالم است و در اختیار معراج شهدای ضاحیه.

شب گذشته، سی بار ضاحیه بمباران شد. هرچه به هفتم اکتبر نزدیک‌تر می‌شویم گویی وحشی‌گری بنی صهیون بیشتر اوج می‌گیرد. هر بار که گمان می‌کنیم این نقطه منتهای وحشی‌گری است، بنی صهیون نصاب جدیدی در توحش رو می‌کند. خونم به جوش آمده. این تصاویر چیزی نیست که در تکرار و تماشای مداوم عادی شوند. مگر هر بار که انسان زخم جدیدی می‌خورد درد تازه‌ای را نمی‌چشد؟!

یک هفته به آرامی خبر رفتنم را در خانه زمزمه کرده بودم؛ او سه روز است گریه می‌کند. بنامی‌گذارم به تفسیر اوضاع؛ انگار که آنجا هیچ خبری نیست. - این وحشی‌ها فعلاً فقط فرماندها رو ترور می‌کنن. با مردم کاری ندارن. اولین بخش خبری حرف‌های مرا تکذیب می‌کند. خانه‌های مردم در کوچه‌های تنگ و صمیمی ضاحیه به تلی از خاک بدل شده‌اند. زیرنویس شبکه خبر را با دقت می‌خواند و زیرچشمی مرا نگاه می‌کند.

- بمب‌ها هدایت شونده‌ان. فقط نیروهای رزمی رو می‌زنن.

اما کانال‌ها پُر است از ویدئوهای بمباران روستاها، مراکز درمانی، مساجد و...



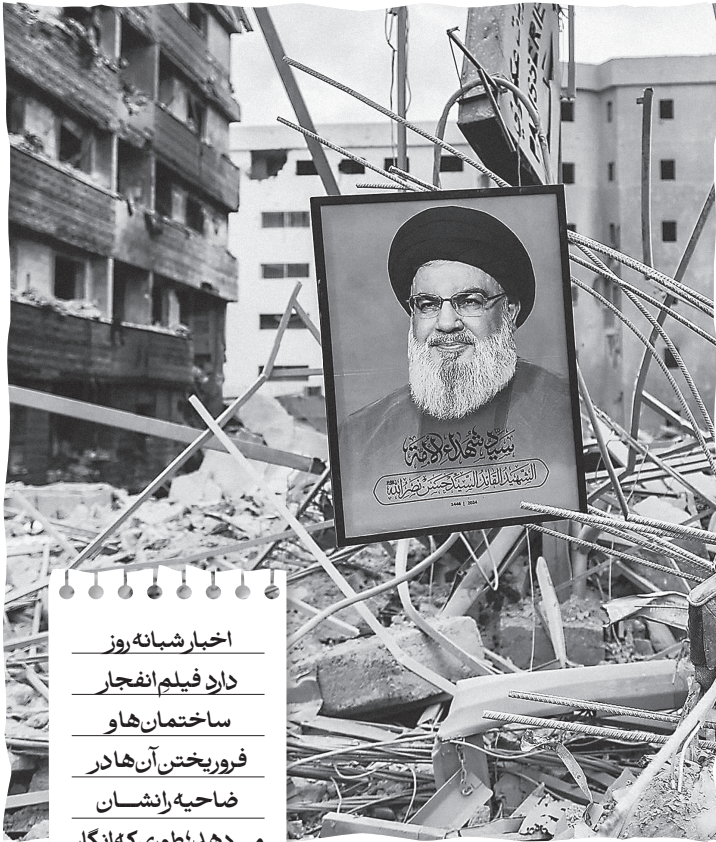
شب گذشته، سی بار
ضاحیه بمباران شد.
هرچه به هفتم اکتبر
نزدیک تر می شویم
گویی وحشی گری
بنی صهیون بیشتر
اوج می گیرد.

- ماقاراه توی منطقه امن مستقر بشیم؛
به خصوص که فعلاً می ترسن ایرانی ها رو بززن.
دروغ می گویم؛ می خواهم آرامش کنم. می دانم
اسرائیل به این چیزها پایبند نیست؛ به هیچ چیز.
پیام هایم را مرور می کنم. سید کمیل 'جواب داده: «روی
من حساب نکن. من هم دفتر رایزنی را خالی کرده ام و
شب ها توی ماشین می خوابم.»

- با خبرنگار اکاری ندارن. می ترسن خبرنگارارو بززن. من که نیروی رمزی
نیستم. نمی فهمم چرا این قدر نگرانی.

حالا تلویزیون چهره خبرنگار شبکه «المیادین» را نشان می دهد که
به شهادت رسیده... گوینده خبر فهرستی از خبرنگاران شهید در یک سال

گذشته را می خواند... بیش از ۱۸۰ خبرنگار شهید! کفری می شوم. زیر لب می گویم الان چه وقت این اخبار است. تلویزیون را خاموش می کنم.
 - تا برگردم، حق نداری اخبار رو نگاه کنی!
 برای چشم های نگران پاسخی ندارم. به یاد نگرانی خانواده های مجاهدین حزب الله می افتم. هفته هاست از هم خبر ندارند.
 - به من نیاز دارن. باید... اصلاً بیا استخاره کنیم.



اخبار شبانه روز
 دارد فیلم انفجار
 ساختمان ها و
 فروریختن آن هادر
 ضاحیه رانشان
 می دهد؛ طوری که انگار
 همه لبنان در ضاحیه
 جمع است...